



Evaluation of Iran's Legislative Criminal Policy in Dealing with Registered Crimes

Hossein Darijani¹, Mahmood Roholamini^{*2}, Sied Mahdi Ahmadimosavi³

1. Ph.D Student, Department of Law, Rafsanjan Branch, Islamic Azad University, Rafsanjan, Iran.

2. Assistant Professor, Shahid Bahonar University, Kerman, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Rafsanjan Branch, Islamic Azad University, Rafsanjan, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 149-163

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0000-0000-0000

TELL: +980000000000

Email: mrooholamini@uk.ac.ir

Article history:

Received: 21 Feb 2025

Revised: 09 May 2025

Accepted: 20 June 2025

Published online: 22 Dec 2025

Keywords:

Registered Crimes, Criminal Policy, Collaborative, Preventive.

ABSTRACT

In Iranian criminal law, registered punishments are a subset of deterrent punishments. These penalties include; Imprisonment, whipping, fine, closure of the place of business and cancellation of the license, dismissal and exclusion from trespassing to the office of notary or office assistant, etc. Overall, using the findings of this research which has been carried out by the method of descriptive and analytical study, Iran's criminal policy in fighting registered crimes can be divided into two types: 1- repressive or deterrent or security; 2- preventive, humanitarian and non-violent. The lack of coherence in criminalization, the lack of clarity of goals and values of the legislature, the disproportion of the punishment with the crime were among the components that in the evaluation of the repressive, deterrent and security criminal policy in dealing with registered crimes show that the system Iran's criminal justice system has not been successful in using this approach against registered crimes. On the other hand, we can draw conclusions by evaluating non-repressive and preventive criminal policy which shows a look at the registration rules; Iran's legislature has not been able to take advantage of the preventive capacities as it should, especially to contribute to the civil society in order to prevent the commission of such crimes and draw an official structure for the activity of the civil society. In order to eliminate the shortcomings of Iran's legislative criminal policy in this regard; Solutions such as targeted prevention, creating convergence through more accreditation to official documents, compatibility of criminal policy measures with modern prevention methods, the need to pay attention to the set of registration factors can be used to improve the situation of Iran's criminal policy in dealing with registered crimes be used.



This is an open access article under the CC BY license. © 2025 The Authors.

How to Cite This Article: Darijani, H; Roholamini, M & Ahmadimosavi, SM (2025). "Evaluation of Iran's Legislative Criminal Policy in Dealing with Registered Crimes". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 5(4): 149-163.



انجمن علمی فقه‌های تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌های تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌های تطبیقی

دوره پنجم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۴

ارزیابی سیاست جنایی تقنینی ایران در مقابله با جرایم ثبتی

حسین دریجانی^۱، محمود روح‌الامینی^{۲*}، سیدمهدی احمدی موسوی^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، رفسنجان، ایران.

۲. استادیار، دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. استادیار، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، رفسنجان، ایران.

چکیده

در حقوق کیفری ایران، کیفرهای ثبتی، زیرمجموعه مجازات‌های بازدارنده می‌باشند. این کیفرها عبارتند از: حبس، شلاق، جزای نقدی، تعطیلی محل کسب و لغو پروانه، انفصال و محرومیت از تعدی به شغل سردفتری یا دفترکاری و ... در مجموع با استفاده از یافته‌های این تحقیق که به روش مطالعه توصیفی - تحلیلی صورت گرفته است، می‌توان سیاست جنایی ایران در مبارزه با جرایم ثبتی را به دو نوع ۱- سرکوبگرانه یا بازدارنده یا امنیتی؛ ۲- پیشگیرانه، انسانی و غیرقهرآمیز تقسیم‌بندی کرد. عدم انسجام در جرم‌انگاری، روشن‌نبودن اهداف و ارزش‌های مقنن، عدم تناسب مجازات با جرم، از جمله مؤلفه‌هایی بودند که در ارزیابی سیاست جنایی سرکوبگر، بازدارنده و امنیتی در مقابله با جرایم ثبتی نشان می‌دهد که نظام کیفری ایران در استفاده از این رویکرد در برابر جرایم ثبتی موفق عمل ننموده است. در مقابل با ارزیابی سیاست جنایی غیرسرکوبگر و پیشگیرانه می‌توان نتیجه گرفت که نگاهی به قوانین ثبتی نشان می‌دهد مقنن ایران نتوانسته آن‌گونه که باید، از ظرفیت‌های پیشگیرانه به‌ویژه برای مشارکت‌دادن به جامعه مدنی در راستای پیشگیری از ارتکاب چنین جرایمی بهره‌برد و ساختار رسمی برای فعالیت جامعه مدنی ترسیم نماید. در راستای رفع کاستی‌های سیاست جنایی تقنینی ایران در این خصوص، راهکارهایی همچون پیشگیری هدفمند، ایجاد همگرایی از طریق اعتباربخشی بیشتر به اسناد رسمی، همپایی تدابیر سیاست کیفری با شیوه‌های نوین پیشگیری، لزوم توجه به مجموعه عوامل ثبتی می‌تواند برای بهبود وضعیت سیاست جنایی ایران در مقابله با جرایم ثبتی مورد استفاده قرار بگیرد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۴۹-۱۶۳

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰

تلفن: ۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰+۹۸

ایمیل: mrooholamini@uk.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۰۳

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۳۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱

واژگان کلیدی:

جرایم ثبتی، سیاست جنایی، بازدارنده، مشارکتی، پیشگیرانه.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

گاه بر عمل منحرفانه یا مجرمانه تکیه دارد و گاهی نیز بر شخصیت مباشر و مرتکب آن عمل مجرمانه یا منحرفانه تأکید می‌کند (میراحمدیان، ۱۳۸۸: ۱۹). سیاست جنایی تقنینی مبتنی بر شخصیت بزهکار یا منحرف است و با این دیدگاه، قانون، زمانی مبتنی بر سیاست جنایی است که «فردی کردن» ضمانت اجرای کیفری، کنترل اجتماعی را برای مساعد و هموار نمودن راه بازگشت بزهکاران و منحرفان به جامعه، میسر سازد. در این حالت ممکن است مجازات و به‌طور کلی ضمانت اجرا، حتمی و قطعی نبوده و با جرم ارتكابی نیز تناسبی نداشته باشد، چراکه آن چه مهم است، شخصیت مجرم یا منحرف است نه عمل ارتكابی (لارز، ۱۳۷۵: ۹۶).

یکی از موضوعات مهم علم سیاست جنایی در مفهوم موسع آن، سیاست جنایی تقنینی است. بررسی نوع تدابیری که توسط حکومت علیه جرم یا انحراف اتخاذ شده یکی از مهم‌ترین مسائلی است که در سیاست جنایی تقنینی به آن پرداخته می‌شود. سیاست جنایی تقنینی در مبارزه با جرایم ثبتی نقش تعیین‌کننده‌ای در مبارزه و کنترل این اعمال مجرمانه دارد. تدبیر و چاره‌اندیشی اصولی سیستم تقنینی جامعه در قالب شناسایی و جرم‌نگاری اعمال مذکور به‌عنوان اولین قدم در راه مبارزه کیفری نقش تعیین‌کننده‌ای در موفقیت جامعه در قبال این جرایم دارد. بنابراین سیاست جنایی برای پاسخ‌دهی به پدیده مجرمانه، اصول و روش‌هایی را اتخاذ می‌کند که بر این اساس اهداف و دورنمای کلی آن مشخص می‌گردد. بر این اساس سیاست جنایی تقنینی می‌تواند سرکوبگرانه یا بازدارنده، انسان‌گرا یا مبتنی بر حقوق بشر، پیشگیرانه و بالاخره امنیت‌گرا باشد و بسته به این که از کدام یک از انواع اخیر باشد، ساختار سیاست جنایی ترسیم می‌گردد.

در این مقاله هدف اریابی سیاست جنایی تقنینی ایران در مقابله با جرایم ثبتی است که برای مشخص شدن نوع سیاست جنایی، ساختار آن با تکیه بر جرم ثبتی مورد بررسی و تحلیل قرار خواهد گرفت.

۱- ساختار سیاست جنایی

به‌عنوان یکی دیگر از مباحث مرتبط با سیاست جنایی که لازم است در تبیین سیاست جنایی تقنینی ایران در برابر جرایم ثبتی

سیاست جنایی در پایان سده بیستم، یعنی حدود دو قرن پس از اولین کاربرد اصطلاح سیاست جنایی توسط فوئرباخ، اکنون شامل جرم و انحراف می‌باشد. همچنین کلیه تدابیر و اقدامات سرکوب‌گرانه کیفری و غیرکیفری و پیشگیرانه توسط دولت و جامعه هریک به‌صورت مستقل یا با مشارکت سازمان‌یافته یکدیگر را به‌منظور سرکوب بزهکاری و پیشگیری از وقوع جرم و انحراف دربر می‌گیرد (لارز، ۱۳۷۵: ۱۴). یک سیاست جنایی مطلوب، برخلاف حقوق جزا، تنها متکی بر سیاست کیفری نیست، بلکه اصلاح مشکلات اجتماعی، زدودن عوامل ایجاد بزهکاری، رفع تبعیضات قانونی و بی‌عدالتی و درمان و بازسازی بزهکاران را نیز جزء ویژگی‌های خود می‌داند. سیاست جنایی مطلوب، یک مفهوم عام و کلی است که در راستای رسیدن به اهداف خود، علوم بسیاری را به خدمت می‌گیرد و از طرف دیگر با سازمان‌های فروانی در ارتباط است که از طریق این سازمان‌ها تدابیر خود را به مرحله اجرا درمی‌آورد (عظیم‌زاده اردبیلی و حسابی، ۱۳۹۰: ۱۲۴). از این رو سیاست جنایی از زوایای مختلف تقسیم‌بندی می‌شود. مهم‌ترین این تقسیم‌بندی، تفکیک از منظر ابزارهای مورد استفاده می‌باشد. از این منظر همان‌طور که بیان شد، سیاست جنایی، شامل سیاست جنایی تقنینی، سیاست جنایی قضایی، سیاست جنایی اجرایی و سیاست جنایی مشارکتی می‌باشد.

سیاست جنایی تقنینی لایه اولیه و ویتترین سیاست جنایی یک کشور است. سیاست جنایی تقنینی، طرز برداشت و تلقی مقام قانون‌گذاری در قالب وضع و تصویب قوانین مختلف از سیاست جنایی است. به بیان دیگر زمانی که متون قانونی درخصوص یک پدیده مجرمانه توسط قانون‌گذار هر کشوری تصویب می‌گردد، درواقع بیانگر سیاست جنایی تقنینی خاص آن کشور درخصوص پدیده مجرمانه مورد نظر می‌باشد. با این توصیف، سیاست جنایی تقنینی، مجموعه‌ای از تدابیر مبارزه با بزهکاری را دربر می‌گیرد که در قانون متجلی شده است و ضمانت‌اجرای مطمئنی، چون ضمانت اجرای قانونی دارد. این نوع از سیاست جنایی، ضمن آن که صلاحیت قانونی دارد، معیار و مبانی انواع دیگر آن بوده و بیانگر اصول کلی حاکم بر نظام کیفری یک جامعه می‌باشد. سیاست جنایی تقنینی، خود بر دو گونه است:

یا سرکوبگرانه تلقی شود. پاسخ‌های دولتی در برابر جرایم ثبتی منتج به نوعی بحران و انسداد در پیش برد برنامه‌های پیشگیرانه و مشارکتی در مقابله با این جرایم شده، درحالی‌که ماهیت این نوع از جرایم به‌گونه‌ای است که اتخاذ راهبردهای پیشگیرانه و مشارکتی به بهترین شکل می‌توانست ضمن برقراری نظم و امنیت و حفاظت از اموال شهروندان، از وقوع آن‌ها جلوگیری نماید. بازخورد و آثار عملی این نگرش به پدیده مجرمانه در راستای اهداف امنیت‌گرایانه و در بستر اجتماع، تعاملات میان حکومت و جامعه مدنی را به سطح حداقلی تنزل می‌دهد و به‌شدت مداخله نظام اجتماعی و مشارکت آن در سیاست جنایی را به حاشیه می‌راند و از این طریق پاسخ‌های کیفری سرکوبگر به‌عنوان اهرم و بازوی اجرایی تأمین امنیت، بر پیکره نظام عدالت کیفری تحمیل می‌گردد.

۱-۲- بزه - پاسخ جامعوی

در سیاست جنایی مبتنی بر مشارکت مردمی و پاسخ جامعوی به بزه و بزهکاری، مبارزه با هر نوع طرد و حاشیه‌رانی مرتکبین، برنامه‌ریزی برای انسانی‌کردن زیستگاه‌های آنان، کمک به بازپذیری اجتماعی متهمین و مجرمین دارای مشکل، کمک به اجرای مجازات‌های اجتماعی مانند انجام خدمات عمومی و اتخاذ تدابیر لازم برای جبران خسارت بزه‌دیدگان از آثار چنین سیاستی خواهد بود. درحقیقت، در اجرای این اقدامات علاوه بر حمایت‌های قضایی از مشارکت جامعوی نیز برخوردار خواهیم بود. همان‌گونه که بیان شد، نوع پاسخ به جرایم ثبتی در نظام کیفری ایران، از نوع دولتی بوده و راهبرد تعیین مجازات، اولین و آشکارترین شیوه‌ای است که مقنن برای مقابله با این جرایم اتخاذ نموده است. با این همه، سیاست جنایی ایران، تهی از راهبردهای پیشگیرانه و مشارکتی نبوده و با پیش‌بینی سازمان‌های مردم‌نهاد به‌صورت رسمی در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اتخاذ راهبردهایی برای به‌کارگیری برخی از سیستم‌های نوین، از جمله ثبت سیستمی و آنالین، استفاده از کاداستر، پیش‌بینی امضای الکترونیک و نظایر این‌ها، گام‌هایی را در راستای تغییر پاسخ‌ها از دولتی به جامعوی برداشته است.

مورد تحلیل قرار بگیرد، بررسی مدل و یا ساختار سیاست جنایی در برابر این‌گونه از جرایم است. با این توضیح که در سیاست جنایی مدل‌های مختلفی می‌تواند مورد تحلیل و بررسی قرار بگیرد که در مهم‌ترین این مدل‌ها می‌توان به مدل دولتی و پاسخ اجتماعی اشاره نمود. در این بخش از مقاله با تمرکز بر جرایم ثبتی با این مدل‌ها آشنا خواهیم شد و نوع پاسخ به جرایم ثبتی را بررسی می‌کنیم.

۱-۱- بزه - پاسخ دولتی

پاسخ‌های دولتی به بزه و بزهکاری به‌معنای تحقق عدالت از طریق کیفر و همان عدالت کیفری است. الگوی عدالت کیفری تحت تأثیر آموزه‌های سنتی فلسفه حقوق کیفری، بر ضرورت واکنش جزایی نسبت به مجرمان و حتی اطفال تأکید می‌نماید (غلامی، ۱۳۹۳: ۱۰۴-۹۲). در این الگو باتوجه به آزادی اراده بزهکاران که در آن مفروض و مسلم تلقی شده است و نیز حسابگری جزایی آن‌ها، مرتکب جرم بدون توجه به هیچ معیار مشخص روان‌شناختی یا جامعه‌شناختی متوسل به پاسخ‌های جزایی و به‌خصوص مجازات، نه عادلانه، بلکه بازدارنده نیز تلقی می‌شود. این رویکرد بر ضرورت بازدارندگی مجازات و گاه تناسب حداکثری جرم و مجازات تکیه می‌کند. از این‌رو الگوی عدالت کیفری در جستجوی عدالت، گاه از مفهوم سودمندی و فایده‌گرایی تأثیر می‌گیرد و گاه از مفهوم سزاواری و استحقاق. با این حال، هر دو طیف مختلف رویکرد مذکور، منجر به اعمال مجازات و استفاده از آن برای بازدارندگی یا اجرای عدالت مطلوب می‌شوند. رویکرد عدالت کیفری از دهه ۱۹۷۰ میلادی، با قرائت نوینی مواجه شد که از آن با عنوان «عدالت استحقاقی» یاد می‌کنند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۲: ۱۱۱-۹۷). در این قرائت جدید، بر ضرورت استفاده از مجازات‌های ثابت و متناسب، بیش از پیش تأکید می‌شود.

مجازات‌های پیش‌بینی‌شده برای جرایم ثبتی نماینگر آن است که پاسخ‌ها معمولاً به‌صورت دولتی و در قالب مجازات متجلی شده‌اند. پیش‌بینی مجازات‌هایی، از قبیل حبس، جزای نقدی و شلاق، برای مقابله با جرایم ثبتی، نظام کیفری ایران را به‌سمت امنیتی‌شدن سوق داده و موجب شده تا در برآورد کلی، نوع سیاست جنایی تقنینی ایران در برابر جرایم ثبتی از نوع دولتی

۲- ارزیابی سیاست جنایی تقنینی در مقابله با جرایم ثبتی

از جمله مهم‌ترین موضوعات در تبیین سیاست جنایی، ارزیابی آن است. باتوجه به این‌که، قبلاً با مفهوم‌شناسی سیاست جنایی آشنا شدیم و انواع آن را به‌صورت مورد بررسی قرار دادیم، در این مبحث به ارزیابی سیاست جنایی تقنینی در ارتباط با جرایم ثبتی می‌پردازیم، اما قبل از شروع مباحث لازم و ضروری است ابتدا مفهوم‌شناسی از ارزیابی نیز داشته باشیم. «ارزیابی در مفهوم عام و کلی، مقایسه اهداف پیش‌بینی‌شده برای یک برنامه یا سیاست (خط مشی) با نتایج حاصل از آن است که به‌وسیله مراجع دولتی یا غیردولتی، برای تعیین این‌که برنامه یا خط‌مشی چه تأثیری در حل مشکل و مسأله داشته و جهت‌گیری آن چگونه بوده است، انجام می‌شود» (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۲۰-۱۱۹). به‌نظر ویز، ارزیابی ابزاری برای تصمیم‌گیری و بهبود برنامه‌های آینده است. در این تعریف‌ها، مهم‌ترین مسأله، آثار و نتایج برنامه است (McCoy & Hargie, 2001). با این مختصر مشخص می‌شود که ارزیابی سیاست‌های جنایی در هر حوزه‌ای امری بدیهی و ضروری است. با عنایت به آن‌چه که پیرامون راهکارهای مقابله با جرایم ثبتی در نظام حقوقی ایران مورد بررسی قرار گرفت، در مجموع می‌توان سیاست جنایی ایران در مبارزه با جرایم ثبتی را به دو نوع: ۱- سرکوبگرانه یا بازدارنده یا امنیتی؛ ۲- پیشگیرانه، انسانی و غیرقهرآمیز تقسیم‌بندی کرد. در این مبحث با تمرکز بر سیاست جنایی تقنینی ایران در مبارزه با جرایم ثبتی به ارزیابی این دو نوع سیاست جنایی می‌پردازیم و موفقیت یا عدم موفقیت آن‌ها را در حوزه جرایم ثبتی تحلیل می‌کنیم.

۲-۱- ارزیابی سیاست جنایی سرکوبگر، بازدارنده و امنیتی

بررسی عملکرد قانون‌گذار ایران در گذشته، حکایت از آن دارد که تصویب قوانین کیفری همیشه به‌عنوان بهترین و ساده‌ترین راهکار مبارزه با بزهکاری و کج‌روی‌های اجتماعی شناخته شده است. درحقیقت آن‌چه جامعه را از خطرات جرایم حفاظت می‌نماید، تصویب دائمی عنوان‌های کیفری نیست، بلکه از منظر به‌کار یا حتمی بودن کیفرها می‌باشد (بکاریا، ۲۰۰۱: ۲۳). باتوجه به این‌که نوع و میزان جواب‌ها در برابر بزه و انحراف از سوی دولت و ارکان مختلف آن تعیین و اعمال می‌گردد، سیاست جنایی حاکم بر نظام کیفری ایران به‌ویژه در برابر با

جرایم ثبتی از نوع سیاست جنایی اقتدارگراست (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۶: ۲۶). مؤلفه‌هایی که موجب شده تا نظام کیفری ایران در استفاده از این رویکرد در برابر جرایم ثبتی به‌مانند سایر جرایم موفق عمل ننماید، بدین شرح می‌باشند:

۲-۱-۱- عدم انسجام در جرم‌انگاری

یکی از ایرادات موجود در شناخت واژگان، تحلیل ویژگی ذاتی اعمال مجرمانه است که با ابهامات زیادی روبه‌رو است. در این حیطه هنجارها و معیارات نامشخصی وجود دارد که نمونه بارز آن نبود تعریفی مشخص از جرایم ثبتی است. به واقع باید گفت «در حقوق ایران قانون‌گذار در قوانین و ماده‌های قانونی گوناگون بدون این‌که معنا یا شاخصی را ارائه دهد، از اصطلاحات و واژه‌ها استفاده کرده است که ابداع این کلمات الزاماً بیانگر وجود تفاوت‌های قانونی شناخته‌شده بین آن‌ها نیست و در بسیاری از موارد ضوابط در این نوع تقسیم‌بندی روشن نمی‌باشد» (حاجی ده‌آبادی و جعفری ندوشن، ۱۳۹۸: ۳۹).

یکی از عوامل افزایش ارتکاب جرایم ثبتی، پیچیده‌بودن قوانین و مقررات مربوط به حوزه ثبت می‌باشد. در قوانین متعددی اقدام به جرم‌انگاری جرایم ثبتی شده است. آگاهی و فهم این مواد قانونی که بعضاً پیچیده هم هستند، شاید به‌راحتی امکان‌پذیر نبوده و این موضوع خود عاملی برای عدم آگاهی نسبت به تکالیف قانونی یا سرپیچی از آن‌ها می‌باشد. پیچیدگی قوانین ثبتی تأثیرات بالقوه زیادی می‌تواند داشته باشد، از جمله شکل‌گیری روش‌های متعدد برای مخفی نگاه‌داشتن جرایم ثبتی، افزایش احتمال اشتباهات سهوی مسؤولان، از جمله کارکنان ثبت و دفاتر اسناد رسمی، فنی‌بودن جرایم ثبتی و ... از جمله مواردی هستند که از منسجم‌نبودن قوانین ثبتی مرتبط با جرم‌انگاری در این حوزه حکایت دارد.

به‌عنوان نمونه، یکی از بارزترین اشکال جرایم در حوزه ثبت، جعل است. جعل هم در قانون مجازات اسلامی به‌عنوان قانون عام و هم در قانون خاص مد نظر قانون‌گذار واقع شده است. مقررات خاص در باب جعل، در قانون ثبت اسناد و املاک، قانون تخلفات، جرایم و مجازات‌های مرتبط به سندهای سجلی و شناسنامه‌ای، قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، قانون

آن‌ها نماید. در نبود یک توجیه دارای الزام در تعیین قوانین کیفری، تمامی مجازات‌ها نقض‌کننده حقوق اشخاص خواهند بود. معیار اصلی این نظریه آن است که جرم‌انگاری این قبیل از رفتارها برای رسیدن به هدف‌ها و ارزش‌های مورد حمایت دولت ضرورت داشته باشد. به عبارتی هدف دولت باید دارای ضرورت باشد و قانون نیز باید فقط راه رسیدن باشد و به صورت دقیق برای رسیدن به آن هدف‌ها و ارزش‌ها طراحی گردیده باشد (عباس‌زاده دیپاور و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۱). در جرم‌انگاری افعالی مانند جعل، قانون‌گذار در ابتدا باید روشن نماید که قصد حمایت از کدام‌یک از ارزش‌ها را دارد؟ آیا هدف وی حمایت از منفعت‌های دولت است یا حمایت از مالکیت فردی یا حفاظت از پایه‌های اقتصاد اسلامی و سپس برحسب هدف مورد نظر به تعیین مجازات پردازد که وی را به‌طور مستقیم به این هدف می‌رساند. مقنن در قوانین و مقررات متعددی که عنوان شد اقدام به جرم‌انگاری جعل نموده است، اما هیچ‌گاه درصدد تعیین و تعریف آن برنیامده است، یعنی تعیین معیار و شاخصی که براساس آن تشخیص داده شود که رفتاری خاص در یک قانون خاص گنجانیده شود. تمام رفتارهایی که در قوانین عنوان شده در بالا جرم‌انگاری گردیدند، به‌نوعی جعل به حساب می‌آیند، اما از نظر ماهیت، موضوع جرم، میزان ضرر زیان و مواردی مانند آن با یکدیگر تفاوت‌های اساسی دارند، لذا قانون‌گذار باید در هر مورد با توجه به خصوصیات هر جرم اقدام به دسته‌بندی آن در گروه‌های جداگانه نمایند. اقدام قانون‌گذار در جرم‌انگاری برخی اعمال بیشتر نوعی مهار موقتی بحران از راه قهرآمیزترین و ساده‌ترین وسیله در دسترس بوده است. نگاهی به تاریخچه قوانین جعل گویای این مسأله است که مقنن در وضع این قوانین حتی توجهی اندک به قوانین قبل از خود نداشته است. به‌عنوان مثال عدم تعریف جرم جعل در تمام مواقع مورد انتقاد بوده است، اما همچنان در قانون مصوب ۱۳۹۲ مورد توجه قرار نگرفت.

۲-۱-۳- عدم تناسب مجازات با جرم

از جمله اهداف اعمال مجازات، سزادهی به مجرم و از سوی دیگر پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم از سوی مجرم و دیگر آحاد جامعه می‌باشد. متفکران تحلیل اقتصادی حقوق کیفری معتقدند که بزهدکاران مانند هر انسانی با توجه به گرایش‌ها و

تشکیل شرکت پست ایران، قانون منع خرید و فروش کوپن‌های کالاهای اساسی، قانون اصلاح قانون ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران، قانون اصلاح قانون انحصار بازرگانی خارجی، قانون راجع به کارشناسان رسمی دادگستری، قانون تجارت، قانون راجع به انتقال مال غیر و ... عنوان شده است، اما به دلیل این‌که این قانون‌گذاری‌ها در زمان‌های مختلف و نهادهای گوناگون صورت گرفته، دوگانگی‌هایی در این‌باره دیده می‌شود. این دوگانگی همواره ابهامات و چالش‌هایی را از حیث اختلاف در مجازات و مواردی مانند آن به دنبال داشته است. «این درحالی است که قانونی که از سوی قانون‌گذار تدوین و تصویب می‌گردد، باید از نظر ترکیب دارای ظاهر با مفهومی مناسب باشد، به نحوی که از ابتدا تا انتهای آن و همچنین ارتباط آن با قوانین مشابه دارای نظم و آنچنان انسجامی باشد که ابتدا و انتهای آن‌ها با هم در تعارض نباشند، چراکه قانون برای مطیع‌ساختن افراد باید منسجم باشد، وگرنه با ابهام مواجه‌شده مقصود قانون‌گذار مشخص نمی‌شود و در مرحله عمل قاضی با سردرگمی مواجه می‌گردد» (عباس‌زاده دیپاور و همکاران، ۱۳۹۸).

۲-۱-۲- روشن‌نبودن اهداف و ارزش‌های مقنن

نظام اجتماعی بستر ارتباطات بین اشخاص و گروه‌ها است که طرفین این روابط متقابل همواره خواهان حفظ ارجح‌بودن خود بر دیگری هستند. سیر طبیعی یک نظام اجتماعی بر مبنای تلاش برای حاکم‌شدن منافع فرد بر دیگران است و این تلاش و کوشش طبیعی، دخالت هر نوع عامل ثالثی را برای نظم‌دادن به آن منتفی می‌سازد، اما با ورود دولت در این معادله بعضاً پیش می‌آید که دولت احساس نماید که باید در ارتباطات بین اشخاص و گروه‌ها نظارت داشته باشد یا این‌که در زمره طرفین دارای نفع به حساب می‌آید، لذا از ابزارهای حفظ نظم که به شکل انحصاری در اختیار وی قرار دارد، استفاده می‌نماید، اما به‌علت محدودشدن آزادی‌ها و حقوق اشخاص، قانون‌گذار در قدم اول از تدابیر غیرکیفری استفاده می‌نماید و حقوق کیفری را به‌عنوان آخرین راه مورد استفاده قرار خواهد داد، لذا دولت باید در استفاده از حقوق کیفری به‌عنوان راه حلی برای رسیدن به ارزش‌های برتر اجتماعی، این ارزش‌ها را به‌روشنی مشخص کرده باشد و بعد از آن اقدام به تعیین ضمانت اجرا برای ناقصان

یک‌روز حبس معادل با موارد مذکور است. حال اگر در این موضوع کیفر حبس ملاک و مبنای اصلی قرار داده شود، حداکثر مجازات حبس در این ماده ۵ سال یا ۱۸۰۰ روز است و برحسب روزی ۳۰۰ هزارریال معادل ۵۴۰ میلیونریال جزای نقدی می‌گردد، درحالی‌که کیفر تعیین شده معادل یک‌هجدهم یا هفتمین حالت در سایر موارد قانونی که هم مجازات حبس و هم شلاق پیش‌بینی گردیده، وجود دارد. به‌طور مثال در ماده ۵۳۳ قانون مجازات اسلامی در باب جعل ارتكابی از طرف اشخاص عادی مجازات حبس از شش‌ماه تا سه‌سال یا جزای نقدی سه تا ۱۸ میلیونریال در نظر گرفته شده است که باتوجه به ملاک مذکور حداکثر مجازات جزای نقدی در این ماده با حداکثر مجازات حبس مد نظر قرار گرفته، به‌صورت یک‌هجدهم می‌باشد، لذا همان‌گونه که مشخص است، تعادل و توازن لازم در مجازات وجود ندارد و نیاز به بازنگری وجود دارد تا مجازات جزای نقدی، مجازاتی به‌روز گردد (رجبی و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۷۵-۳۷۴).

۲-۲- ارزیابی سیاست جنایی غیرسرکوبگر و پیشگیرانه

علاوه‌بر آن که بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «اقدام مناسب برای پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمان» را یکی از وظایف قوه قضاییه دانسته است، باید به این نکته توجه داشت که اصول دموکراسی که در اساسنامه این حکومت به‌رسمیت شناخته شده است، اقتضا می‌نماید که بیش از آن که حکومت در پی اندیشه سزادهی و اعمال اقدامات کیفری باشد، اقدامات غیرکیفری و پیشگیرانه را سرلوحه خود قرار دهد. اهمیت سرلوحه قراردادن اقدامات پیشگیرانه از آن‌رو است که این امر سبب می‌گردد نقش جامعه مدنی در عرصه سیاست جنایی برجسته‌تر شود و با مشارکت هرچه بیشتر جامعه مدنی شرایط برای التزام به اصل قانونی‌بودن و تأمین هرچه بیشتر آزادی‌ها و برابری‌های اجتماعی فراهم گردد (غلامی و رحمانی، ۱۳۹۶: ۳۵). نگاهی به قوانین ثبتی نشان می‌دهد مقنن نتوانسته آن‌گونه که باید، از ظرفیت‌های پیشگیرانه به‌ویژه برای مشارکت‌دادن به جامعه مدنی در راستای پیشگیری از ارتكاب چنین جرایمی بهره‌برد و ساختار رسمی برای فعالیت جامعه مدنی ترسیم نماید. علاوه‌بر این، در عرصه آموزش قوانین و مقررات اعم از این که نسبت به کارکنان خود باشد و یا مردم،

توجیهات خود تصمیم‌گیری کرده و اقدام به ارتكاب بزه می‌نمایند. بر این اساس پیشنهاد می‌کنند که نوع مجازات و افزایش شدت و قطعیت مجازات نقشی بازدارنده داشته و می‌تواند به کاهش رفتار مجرمانه کمک کند (نعیمی، ۱۳۹۴: ۲۲۳)، زیرا فرد به محرک‌های بیرونی که هزینه و منافع ناشی از ارتكاب جرم را کاهش یا افزایش می‌دهد، واکنش نشان می‌دهد. بنابراین لازم است قانون‌گذاران بین دو عامل شدت و قطعیت مجازات و پدیده مجرمانه به‌گونه‌ای اقدام کنند تا بیشترین فایده نصیب اجتماع گردد. نگاهی به مجازات‌های پیش‌بینی‌شده در جرایم ثبتی عام و خاص نشان می‌دهد که مجازات اغلب این جرایم قابلیت تعویق صدور حکم، تعلیق مجازات، استفاده از نظام نیمه‌آزادی و اعمال مجازات‌های جایگزین حبس دارند و همین موضوع منجر به سوءاستفاده‌هایی گردیده و مرتکبین چنین اقداماتی با سنجش نحوه اجرای واکنش کیفری مقنن در صورت ارتكاب جرم ثبتی از آن‌ها و این احتمال که همواره ممکن است بنا به دلایلی مجازات نشوند، آن‌ها را در ارتكاب چنین جرایمی حریص‌تر می‌کند.

به‌روزی‌بودن جزای نقدی، ایراد دیگری است که منجر به نقض اصل تناسب بین جرم ارتكابی و مجازات پیش‌بینی‌شده برای آن جرم گردیده است. همان‌گونه که بیان شد، در بسیاری از جرایم ثبتی، جزای نقدی به‌عنوان پای ثابت مجازات‌ها بوده و مقنن از این نوع مجازات در اغلب جرایم ثبتی استفاده کرده است، اما در مورد به‌روزی‌نمودن این جزای نقدی اقدامات منظمی صورت نمی‌گیرد، به‌طوری‌که بعد از گذشت مدت زمان اندکی از تصویب قانون، اثر بازدارندگی جزای نقدی به‌دلیل مبلغ اندک آن از بین می‌رود. به‌عنوان نمونه در مورد جعل ثبتی «قانون‌گذار در ماده ۵۳۲ قانون مجازات اسلامی در جعل انجام‌گرفته از طرف کارمندان و مسؤولین دولتی مجازات حبس از یک تا پنج‌سال یا پرداخت جزای نقدی ۶ تا ۳۰ میلیونریال را پیش‌بینی نموده است که مشکل اصلی به‌واقع، عدم توازن در مجازات‌های فوق‌الذکر است، چراکه براساس ماده ۲۷ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ در عوض هر روز بازداشت موقت یک روز از مقدار حبس و ۳۰۰ هزارریال جزای نقدی و سه ضربه کیفر شلاق محکوم کم شود.» به‌عبارت دیگری می‌توان از این ماده این نتیجه را گرفت که در نظر قانون‌گذار

آموزشی، این سازمان کماکان با فقدان آموزش‌های تخصصی و مدیریتی مطلوب مواجه است. این امر علاوه بر آن که بر راندمان سازمان به‌طور کلی تأثیر نامطلوبی می‌گذارد، از جهت تمهید زمینه برای تحقق جرم‌های ثبتی نیز بسیار تأمل برانگیز و تأثیرگذار است. عدم آگاهی کامل کارمندان ثبت نسبت به ضوابطی که در قانون پیش‌بینی شده است (و هدف از آن‌ها نیز بیش از هر چیز، اعتباربخشیدن به فرآیند ثبت ملک و جلوگیری از بروز اشتباه و سوءاستفاده در این روند و پس از آن است) باعث می‌شود که زمینه مناسبی برای افراد دارای انگیزه ارتکاب جرم‌های ثبتی فراهم شوند تا با استفاده از این عدم آگاهی و خلأ موجود، مرتکب جرم شوند.

این نقیصه وقتی پررنگ‌تر به‌نظر می‌رسد که در نظر داشته باشیم که از حیث به‌کارگیری تکنولوژی‌های روزآمد و نوین نیز در سطح سازمان ثبت اسناد و املاک و ادارات تابعه آن نیز وضعیت مطلوبی وجود ندارد. این امر، از جمله موضوعاتی است که مورد اذعان متولیان سازمان ثبت نیز قرار دارد. در برنامه راهبردی پنج‌ساله‌ای که برای سازمان ثبت تدوین شده و در آن ضمناً به بررسی نقاط ضعف این سازمان نیز توجه شده است، یکی از موارد آسیب‌پذیری این سازمان «ناکارآمدی تکنولوژی موجود» در آن بیان شده است، حتی عدم کفایت دانش کاربردی از قابلیت‌های فناوری نیز در این باره وجود داشته و به‌عنوان یک نقطه ضعف به آن اشاره شده است. حال اگر در نظر داشته باشیم که جرم‌های ثبتی در زمره جرایم یقه‌سفیدی قرار دارند و به همین دلیل، مرتکبان آن‌ها از ابزارها و امکانات جدید و پیشرفته امروز برای ارتکاب جرایم خود استفاده می‌کنند، پی خواهیم برد که این ضعف تکنولوژیک در سازمان ثبت و همپای آن، عدم توانایی کارمندان زیرمجموعه آن سازمان در همراهی با این پیشرفت‌ها به‌عنوان زمینه‌ای برای تسهیل جرم‌های ثبتی عمل خواهد کرد، زیرا مرتکبان احتمالی این‌گونه جرایم را یک گام جلوتر از کسانی که باید بتوانند این‌گونه سوءاستفاده‌ها را شناسایی کرده و با آن‌ها مقابله کنند، قرار می‌دهد.

بسیار ضعیف عمل کرده، طوری که بسیار از کارکنان ثبت هنوز با مفاهیم اولیه ثبت و نحوه نقل و انتقالات رسمی آشنایی کامل با مقررات قانونی ندارند. مشخص است با این وضعیت، مردم نیز به طریق اولی از نبود آموزش‌های مرتبط با نحوه ثبت و جرایمی که ممکن است در مراحل مختلف در مورد اسناد و املاک رخ بدهد، ناآگاهند.

یکی از شیوه‌های مناسب برای کارآمدن‌مندن پیشگیری از جرایم ثبتی، آموزش قوانین و مقررات ثبتی به کارکنان ثبت و عامه مردم است. ضعف آموزش و پژوهش در سازمان ثبت ثبت اسناد و املاک در حال حاضر، همان‌گونه که چند دهه پیش و در دوران آغاز فعالیت سازمان ثبت بود، انجام نمی‌گیرد. روش‌های نقشه‌برداری از اراضی و املاک، شیوه شماره‌گذاری، چگونگی درج سوابق مربوط به هر ملک و یا سند و زمین و نگهداری و بایگانی این سوابق، شیوه مدیریت بر محدودیت‌هایی که باید در مورد هر ملک (مثلاً به‌واسطه رهن‌بودن آن) اعمال شود و نظایر آن، در طول سال‌های متمادی فعالیت در عرصه ثبت اسناد و املاک، تغییرات گسترده‌ای پیدا کرد. این امر اگرچه نشان‌دهنده پویایی و تحرک سازمان ثبت اسناد و املاک برای سازگارن‌مندن خود با مقتضیات پیشرفت تکنولوژی و دغدغه مدیران این سازمان در ادوار مختلف برای ارائه بهتر خدمات می‌باشد، اما دارای محدودیت‌هایی نیز هست که این برداشت را ایجاد می‌کند که از توان آموزشی و تحقیقی مناسبی در این عرصه استنا نشده است، زیرا در این سازمان هنوز الگوی مناسبی برای ایجاد عملکرد آگاهی تخصصی روزآمد در کارکنان از یک‌سو و پژوهش و تحقیق برای ارتقای بیان مجموعه سازمان از سوی دیگر وجود ندارد. جدای از آن که در دانشکده‌های حقوق، درس حقوق ثبت مورد غفلت واقع شده است و بهای چندانی به آن داده نمی‌شود، در ساختار سازمان ثبت نیز موضوع آموزش تخصصی به دست‌اندرکاران امور ثبتی و کارمندان سازمان شود، به‌طور جدی پیگیری نمی‌شده است. «گزارش برنامه راهبردی پنج‌ساله ۸۸-۱۳۸۴» که در مردادماه سال ۱۳۸۵ توسط سازمان ثبت منتشر شد، تصریح می‌کند که باوجود واحد پژوهش و آموزش در زیرمجموعه معاونت طرح و برنامه و ارائه یک‌سری برنامه‌های آموزشی در حوزه تخصصی ثبت و حضور عده‌ای از کارکنان و مدیران در کلاس‌های

با عنایت به ارزیابی به عمل آمده در ادامه به برخی از راهکارهایی که می‌تواند برای بهبود وضعیت سیاست جنایی ایران در مقابله با جرایم ثبتی مورد استفاده قرار بگیرد، می‌پردازیم.

۲-۲-۱- پیشگیری هدفمند

نخستین گام برای چاره‌اندیشی در مورد مقابله با جرایم ثبتی، هدف‌مندی نمودن اتخاذ راهبردهای پیشگیرانه است. برای هدف‌مندی نمودن در بادی امر باید جرایم ثبتی به صورت خاص مورد بررسی قرار گرفته و از ارائه روش‌های پیشگیرانه کلی اجتناب گردد. جرم‌های ثبتی به دلیل مؤلفه‌های خاص حاکم بر آن‌ها باید به عنوان گروه خاصی از جرایم - حداقل توسط سازمان‌هایی که به طور مستقیم با آن درگیر هستند، همچون سازمان ثبت - در نظر گرفته شود و تا بتوان برای آن برنامه‌ریزی خاص، از جمله در جهت پیشگیری نمود. هنگامی که برنامه‌ها و عملکرد سازمان ثبت اسناد و املاک به عنوان نخستین دستگاهی که از این جرایم تأثیری می‌پذیرد، مورد توجه قرار می‌گیرد، ملاحظه می‌شود که این دسته از جرایم به عنوان یک بسته مشخص و دارای مؤلفه‌ها، عناصر، عوامل و انگیزه‌های مستقل دیده نشده است. این امر، یعنی فقدان وجهه و شخصیت مستقل برای جرم‌های ثبتی، در عملکرد دستگاه قضایی نیز دیده می‌شود. در خوش‌بینانه‌ترین حالت، باید گفت که جرم‌های ثبتی، نهایتاً در عرض سایر جرایم و در کنار جرایم ساده‌تر و فاقد شرایط خاص قرار داده شده‌اند و مشمول برنامه‌ریزی‌های عمومی مربوط به آن‌ها می‌شوند، بدون این که مورد توجه خاص قرار داشته باشند.

سازمان ثبت اسناد و املاک در برنامه‌های راهبردی خود، هنگام برشمردن اهداف استراتژیک آن سازمان، اصلاح قوانین و مقررات ثبتی با تأکید بر پیشگیری از وقوع جرم و حمایت از حقوق مردم را به عنوان یکی از اهداف راهبردی خود تعیین و معرفی کرده است، اما هنگامی که به شرح عملکردهای مرتبط با این برنامه راهبردی رجوع شود، ملاحظه می‌گردد که راهکار و برنامه مشخصی برای عملی کردن آن هدف استراتژیک در نظر گرفته نشده است. گواه این مدعا آن است که در فهرست پروژه‌های در دست اقدام واحدهای ستادی و برنامه‌ریز آن سازمان، هیچ پروژه خاصی در رابطه با موضوع مورد اشاره،

یعنی پیشگیری از جرم‌های ثبتی، تعریف نشده است، حتی دفتر حقوقی آن سازمان نیز که علی‌القاعده باید به اهمیت جرم‌های ثبتی واقف بوده و هدف استراتژیک مورد اشاره را عملی سازد، در پروژه‌های خود اولویت را به اموری بسیار کم‌اهمیت‌تر، همچون جایگاه ثبت در تدوین قانون شهرداری و یا تدوین مجموعه آرای کانون سردفتران و دفتریاران داده است و هیچ پروژه‌ای که به طور خاص به جرم‌های ثبتی بپردازد را مورد عنایت قرار نداده است. این رویکرد، یعنی نگاه حاشیه‌ای و جنبی به جرم‌های ثبتی در بخشنامه‌های ثبتی نیز به چشم می‌خورد. مطالعه این بخشنامه‌ها به خوبی نشان می‌دهد که محور اصلی آن‌ها جنبه‌های فنی ثبت اسناد و املاک، از قبیل شیوه تحریر اسناد، نحوه ارائه رونوشت از دفاتر و مواردی از این قبیل بوده است و جرم ثبتی و به تبع آن، موضوع پیشگیری از آن، عملاً به طور کامل مغفول مانده است.

نگاهی به وضعیت جرایم ثبتی و سیاست‌های اتخاذی جهت مقابله با آن‌ها نشان می‌دهد که در قلمرو حقوق کیفری و سیاست جنایی ایران اساساً توجه چندانی به مبانی و اصول علوم کیفری نوین و در واقع تدابیر غیرکیفری در راستای پیشگیری هدفمند و بلندمدت در برابر جرایم ثبتی، به عمل نیامده است. در مورد مسأله پیشگیری از جرم ثبتی، علی‌الخصوص پیشگیری اجتماعی عمق این کاستی‌ها بیشتر جلوه می‌کند، یعنی علی‌رغم تمامی حساسیت‌ها و اهمیت حوزه حمایت از نظام مالکیتی و ثبتی، مشاهده می‌کنیم که مقنن واقعاً راهبردها و شیوه‌های علمی و کارآمدی را در راستای مهار پیشگیرانه زمینه‌های سوءاستفاده از نظام ثبتی اتخاذ ننموده است. سیاست جنایی ایران در این زمینه بیش از این که مبتنی بر مشارکت و برنامه‌های پیشگیرانه تخصصی باشد، بیشتر بر پایه نوعی سیاست کیفری سرکوبگر و سخت‌گیرانه بنا شده است، هرچند نباید از نظر دور داشت که صرف وضع مقررات کیفری در قوانین، دارای جنبه پیشگیرانه است. به بیان دیگر قانون‌گذار، قوانین کیفری را به امید ارعاب و در نتیجه پیشگیری از ارتکاب جرایم افراد جامعه وضع می‌کند. اجرای طرح کاداستر، ثبت سیستمی و آنلاین، به کارگیری و تعریف امضای الکترونیک و ... را می‌توان از موارد پیشگیری وضعی در قانون به شمار آورد که نقش بسیاری در شفافیت در معاملات ثبتی و تحقق عدالت

نگیرد، ضمن این که از منظر فقهی می‌توان برای اعتباربخشی هر چه بیشتر به اسناد رسمی کوشش نمود، از جمله این که برای کاتب (اسناد رسمی) صفاتی، از جمله عاقل بودن، مسلمان بودن، عادل بودن ضروری دانسته شده است (حلی (محقق حلی)، ۱۴۰۸: ۷۶). این رویکرد موجود در فقه نشانگر در نظر گرفتن شرایط و معیارهای لازم برای کسانی است که در حوزه ثبت اسناد فعالیت می‌کنند و با دارا بودن شرایط موجود و البته با مبنای قرارداد سازوکارهای قانونی می‌توان نقش قابل توجهی در پیشگیری از تخلفات و جرایم ایفا نمود.

۲-۲-۳- همپایی تدابیر سیاست کیفری با شیوه‌های نوین

پیشگیری

از دیدگاه دانش حقوق، هرگاه صحبت از «حق» به میان می‌آید، «تکلیف» نیز مطرح است و نیک می‌دانیم که نه فقط تضمین‌کننده حقوق شهروندی، بلکه تأمین‌کننده آن نیز دولت به معنای حاکمیت است. از طرفی دیگر، با ورود به عصر فناوری اطلاعات، تجهیز دفاتر اسناد رسمی به ابزار نوین خدمات‌رسانی، خصوصاً با رویکرد جهانی و ورود به بازارهای بین‌المللی تجارت و انجام معاملات در فضای مجازی و عرصه غیرحضور، ضرورتی انکارناپذیر می‌نمایند. در این رویه جدید، فقه و حقوق اسلامی نیز باید به‌نحوی مطرح شوند که توانایی پاسخگویی به مسائل و شرایط جدید را نیز داشته باشند. در زمینه قراردادهای نیز باید گفت که در آیه شریفه «اوفوا بالعقود» نیز حاکمیت عمل و تعهد به قراردادهای مورد تأکید قرار گرفته است و این تعهدات برای طرفین تعهدات و معاملات نیز لازم‌الاتباع است، بدین معنا که در آیه شریفه مزبور، الف و لام، عهدی تلقی شده است که جمع عقود را محدود به عقود شناخته شده در همان عصر می‌کند، البته باید به این نکته اشاره کرد که ریشه اعتبار عقود معاملات از نظر فقهایی نظیر امام خمینی (ره)، نه صرف تأسیس شارع مقدس، بلکه عرف و عادت نیز هست و هر ایجاد عقدی را نیز ملزم به رعایت مفاد آن دانسته‌اند (آناهید و آیتی، ۱۳۹۴: ۱۶). این رویکردها به معنای سازگاری فقه و حقوق اسلامی با شرایط جدیدی است که در معاملات و تعهدات در هر عصری رخ می‌دهند و بر مبنای همین تحولات نیز می‌توان رویکردهای کیفری را برای جلوگیری از تخلفات و جرایم در نظر گرفت. به عبارت دیگر، پذیرش تعهدات و ملزومات آن در

در حوزه املاک و اسناد و کاهش جرایم ثبتی دارند، اگرچه باتوجه به گسترش نقش فناوری‌های نوین در ارتکاب جرایم ثبتی، راهکارهای بیشتری در زمینه پیشگیری وضعی در حوزه ثبت مورد نیاز بوده و باید مقنن زمینه‌های استفاده از روش‌های نوین پیشگیری وضعی را اتخاذ نماید. در راستای پیشگیری اجتماعی و رشد مدار که اثرات طولانی‌مدت و پایدارتری دارند، لزوم فرهنگ‌سازی و آموزش عمومی مباحث ثبت از طریق رسانه‌های عمومی و نظایر آن نقش مؤثری خواهد داشت.

۲-۲-۲- ایجاد همگرایی از طریق اعتباربخشی بیشتر به اسناد

رسمی

در حال حاضر از بخش مهمی از ظرفیت اسناد رسمی به‌خصوص در مواردی که مرتبط با نظام عمومی است، استفاده نمی‌شود (پنجتنی، ۱۳۹۱). همین مسأله نیز چالش‌های حقوقی متعددی را پدید آورده است. برای پر کردن این خلأ می‌توان به متون فقهی مراجعه نمود که اسناد امضا شده و حکم اقرار کتبی را بر هر مورد دیگری، از جمله شهادت برتری بخشیده و حتی ارزش اثباتی آن را از شهادت نیز بالاتر دانسته‌اند و در مقام تعارض پیدا کردن سند با شهادت، بر اعتبار سند صحنه گذاشته‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۶۲: ۷۴)، هر چند در مباحث فقهی به‌صورت مستقل و مبسوط، بحث اعتبار اسناد رسمی مورد توجه نبوده است، اما هرگز بر بی‌اعتباری آن تأکید نشده است. به عبارت دیگر، اعتبار داشتن اسناد رسمی به‌عنوان امری که در پرتو تحولات زمانه بررسی می‌شود، محل توجه است. مبحث فوق می‌تواند مورد توجه تدابیر سیاست کیفری نیز قرار گیرد، در حالی که تلاش‌های صورت گرفته برای پیشگیری از جرایم ثبتی در قالب توجه و اهمیت دادن به اسناد رسمی است، شاهد این هستیم که تدابیر کلی سیاست کیفری در تقابل با این رفتار است و محاکم کیفری با اهمیت دادن بیش از حد به اسناد عادی، در عمل، رویه معتبر بودن اسناد عادی را ایجاد و ترویج کرده و در عمل تدابیر پیشگیری از جرایم ثبتی در حوزه اسنادی که لزوماً باید ثبت شوند، را خنثی می‌نماید. به نظر می‌رسد که در وهله اول بایستی قلمرو اسنادی که لزوماً بایستی ثبت گردند و ثبت آن‌ها اجباری باشد، بایستی افزایش یافته و از طرف دیگر سیاست کیفری باید به‌نحوی باشد که در موارد ثبت اجباری اسناد، به هیچ عنوان اعتبار اسناد عادی مورد پذیرش قرار

سند را حداقل برای سردفتر مربوطه نشان دهد که در محتویات سند تغییری ایجاد نشده باشد، در نتیجه امکانات ثبت آنی نه تنها مانعی برای ارتکاب جرم جعل سند رسمی نشده است، بلکه فقط منجر به تغییر شکل و شیوه رفتار مرتکبین شده است. فقدان همگرایی بین تدابیر سیاست کیفری و شیوه‌های نوین پیشگیری از جرم را به خوبی در این مقوله می‌توانیم مشاهده کنیم. درحالی‌که سیستم ثبت آنی به‌دنبال این است که از ارتکاب جرم جعل سند رسمی جلوگیری نماید، با توجه به خلأهایی که در این سیستم وجود دارد، مجرمین به‌طور عملی در مواردی این سیستم را دور زده و متراکم جرم جعل سند رسمی می‌شوند و پرونده‌های مطروحه در دادگاه از این نوع بسیار فراوانند، درحالی‌که مجازات مرتکبین این جرم همان مجازات جاعل سنتی و کلاسیک است، به‌نظر می‌رسد که سیاست کیفری در این خصوص همگرا با تدابیر پیشگیری نمی‌باشد و توقع و انتظار می‌رود که سیاست کیفری برای مرتکبین جرم جعل در سیستم ثبت آنی مجازات شدیدتری را در نظر بگیرید، زیرا که مرتکب علاوه بر جعل سند، در واقع سیستم ثبت آنی را به‌نحو دور زده و تمامی تلاش‌های صورت‌گرفته در این خصوص را به‌سخره گرفته است و مستحق برخورد شدیدتری است. عدم همپایی و همگرایی بین شیوه نوین پیشگیری و تدابیر سیاست کیفری به‌خوبی مشهود است. به‌عبارت دیگر باید بین پیچیدگی تدابیر پیشگیری و ضمانت اجرای کیفری موارد نقض آن رابطه مستقیمی وجود داشته باشد و این همان مفهوم دقیق همگرایی است که در ارتباط با سیستم ثبت آنی این موضوع وجود ندارد.

۲-۲-۴- لزوم توجه به مجموعه عوامل ثبتی

در تدوین سیاست کیفری هر رفتاری که از حاکمیت سرمی‌زند، لزوماً بایستی محصول «قانون» باشد. این موضوع در فقه اسلامی نیز محل توجه است. درباره تدوین سیاست کیفری نیز همین رویه جاری است، یعنی در مجموعه قوانینی که برای اداره جامعه به‌کار می‌رود، علاوه بر الزام شرعی، الزام قانونی نیز دیده می‌شود که در حیطه اجرای احکام دنبال می‌شود (محمصانی، ۱۳۷۱: ۳۴۳). با این حال در گذار از فقه به قانون، موارد متعددی، از جمله مصلحت عامه و اهداف حکومت اسلامی نقش بسیار مهمی دارند. خاصیت قانون آن است که باعث ایجاد

هر عصری، لاجرم به‌معنای پذیرش شرایط و معیارهای جدیدی برای اتخاذ رویکردی کیفری در همان زمینه است. همین نگاه، کافی بود تا «ثبت آنی اسناد» از متن مقرراتی همچون بند و ماده ۴۶، بند «ب» ماده ۴۸ و بند «م» ماده ۲۱۱ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران و نیز بند «ج» ماده ۱۲ قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد و همچنین مفاد ماده ۳۷ قانون مدیریت خدمات کشوری، بروز و ظهور اجرایی پیدا نموده و حاکمیت، در ارائه خدمات حقوقی به جامعه، به هر ترتیب، یک نوع جهش افقی - عمومی داشته باشد و به تعبیری، پیشرفت رو به جلو و ترقی رو به بالا را به نام خود، در تاریخ حقوق ایران، ثبت و ضبط نماید. بند «ج» ماده ۱۲ قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد به‌عنوان یکی از مستندهای قانونی اجرای ثبت الکترونیک اسناد مقرر می‌دارد؛ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور موظف است: «ظرف یک‌سال شبکه و پایگاه اطلاعاتی مشترک بین دفاتر اسناد رسمی و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور را راه‌اندازی نماید، به‌نحوی که ثبت و تبادل کلیه وقایع دفاتر اسناد رسمی و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور از طریق نظام متمرکز مذکور تسهیل گردد» و این درحالی است که به هر ترتیب، ثبت آنی، عملیاتی شد، اما دست کم تاکنون، شبکه و پایگاه اطلاعاتی مشترک بین دفاتر اسناد رسمی و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، به‌معنای صحیح و واقعی آن راه‌اندازی نشده و به‌هیچ‌روی نه می‌توان پذیرفت که نظام متمرکز به‌منظور ثبت و تبادل کلیه وقایع دفاتر اسناد رسمی و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، استقرار یافته و نه حتی امکان تبادل وقایع حقوقی و خدمات شبه‌قضایی انجام‌گرفته در دفاتر اسناد رسمی و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تسهیل یافته است و اجرای قانون به‌نحو ناقص و در مسیر نادرست، به یقین، احتمال وقوع جرایم سازمان‌یافته را افزایش می‌دهد. به‌عنوان نمونه سامانه استعلام اصالت سند که در وضعیت حاضر هم برای عموم مردم و هم برای دفاتر اسناد رسمی در دسترس است، با درج شماره سند رسمی و رمز تصدیق آن، اصالت یا عدم اصالت سند را نشان می‌دهد، لیکن همین موضوع به محلی برای ارتکاب گسترده و حتی سازمان‌یافته جرم جعل اسناد رسمی گردیده است. حداقل این است که سامانه باید علاوه بر اصالت اصل سند، محتویات

کشور، با کارشناسان و متخصصان امر در حوزه ثبتی و از جمله سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و جامعه سردفتری، مشورت تخصصی نماید و قوانین لازم را در این باره اتخاذ نمایند. رویکرد مشخصی که باید در این زمینه اتخاذ شود، بهره‌مندی از راهکارهایی است که بتواند در حوزه پیشگیری نوین کارآمد باشد. طراحی، تولید و استقرار سامانه‌های استعلام الکترونیکی، سامانه الکترونیکی خلاصه معامله، نرم‌افزارهای تحت وب و مدیریت املاک، نرم‌افزار تعیین تکلیف وضعیت ثبت اراضی و استقرار فناوری نیز از جمله عوامل محسوب می‌شوند (رضایانه، ۱۳۹۱: ۱۰۸). در واقع تأکید بر مجموعه قوانین به معنای نگرش نوین به مسائل و مشکلات حوزه ثبت است که امروزه نیز به‌طور مشخص، رویکرد الکترونیکی را در پیش گرفته است. این تأکید بیش از هر چیز تحت تأثیر مسائل و مشکلات جدیدی است که در حوزه مسائل ثبتی رخ می‌دهد و با قوانین سنتی و گذشته نمی‌توان با مشکلات جدید مقابله نمود.

نتیجه‌گیری

در حقوق کیفری ایران، کیفرهای ثبتی، زیرمجموعه مجازات‌های بازدارنده می‌باشند. این کیفرها عبارتند از: حبس، شلاق، جزای نقدی، تعطیلی محل کسب و لغو پروانه، انفصال و محرومیت از تعدی به شغل سردفتری یا دفترکاری و همچنین براساس بینش بازدارندگی حاکم بر جرایم ثبتی، اقدام قانون‌گذار در پیش‌بینی جرایم ثبتی و پیش‌بینی مجازات‌های در حکم کلاه‌برداری، در حکم جعل و در حکم خیانت در امانت و اعمال مجازات همان جرایم به جرایم ثبتی که بسیاری از شرایط تحقق جرایم یادشده را ندارند، نشان می‌دهد که نوع سیاست جنایی مقنن در کیفرگذاری برای جرایم ثبتی از نوع بازدارنده است، البته در کنار این نوع از سیاست جنایی، جلوه‌هایی از سیاست جنایی بازپرورانه، مشارکتی، پیشگیرانه و امنیتی نیز در مقابله با جرایم ثبتی می‌توان نام برد که در برخی از موارد خاص و به‌صورت موردی مورد استفاده قرار گرفته است.

باتوجه به رویکرد غالب بازدارندگی در برابر جرایم ثبتی در بررسی مدل و یا ساختار سیاست جنایی در برابر جرایم ثبتی نیز این نتیجه حاصل شد که در مجموع می‌توان این مدل‌ها را به

نظم شده و حقوق و تکالیف افراد و نهادهای حقوقی را نیز روشن می‌نماید. بر مبنای همین مجموعه حقوق است که روابط اجتماعی نظم می‌یابد و به پیش می‌رود. حقوق‌دانان بر این باورند که نظم حاکم بر جامعه است که به روابط اجتماعی و حقوقی هر گروه و جمعیتی، با رعایت مصالح اجتماعی و عرف مستقر در آن گروه و جمعیت، انتظام می‌بخشد. این گرایش آدمیان به نظم است که آن‌چه در روابط حقوقی مردم، عرف می‌شود، همان نگاه حاکم بر نظم و عرف، بر آن، لباس «قانون» می‌پوشاند. گزاره سخن نیست اگر بیان شود که هر رفتاری که از حاکمیت سر می‌زند، لزوماً و بالضروره بایستی محصول «قانون» باشد. امروزه، قانون‌گریزی و قانون‌گرایی، دو نقطه آغازین حرکت جامعه به سوی حاکمیت و برعکس، تلقی می‌شود. به این معنا که هر چقدر رفتار حاکمیت، قانون‌گرایانه باشد، از رفتار قانون‌گریز افراد انسانی آن جامعه، کاسته می‌شود، اما از وجود رفتارها، کنش‌ها و واکنش‌های غیرقانونی جامعه نمی‌توان به قانون‌گریزی حاکمیت، حکم داد، چراکه صرف قانون‌گرا بودن سیاست‌گذاران و حتی بدنه اجرایی حاکمیت، کافی برای نیل به مقصود، یعنی داشتن جامعه‌ای قانون‌گرا نیست. به‌نظر می‌رسد وجود سومی لازم است تا بتواند فاصله بین حاکمیت قانون‌گرا و جامعه قانون‌گریز را کم نماید و موجب افزایش گرایش جامعه به سوی اجرای صحیح قانون شود. به یقین، این خالاً پر نمی‌شود، مگر با ابزار قانونی. برخی صاحب‌نظران، معتقدند که عرف و نیاز عرفی جامعه است که متولیان امر حاکمیت را به وضع یا اصلاح قانون رهنمون می‌سازد. بنابراین فرض حقوقی این است که نه‌فقط در مقام وضع، بلکه در مقام اصلاح قانون نیز باید با صاحبان عرف که خاستگاه اجتماعی و رستنگاه حقوقی آن موضوع را شکل می‌دهند، به‌نحو اختصاصی و تخصصی، مشاورت نمود تا در مقام اجرا، نگاه عمل‌گرای جامعه مخاطب قانون، به قانون‌گرایی نزدیک‌تر باشد و از قانون‌گریزی با تمام توشه و توان پرهیز نماید (دشتی اردکانی، ۱۳۹۱: ۸) و این، اصل گریزناپذیر قانون‌نویسی امروزین است. بر مبنای همین رویکرد قانونی و پیوندگرفته با عرف و مصالح جامعه، نهادهایی همانند مجلس شورای اسلامی، همچون دیگر سازمان‌های سیاست‌گذار، پیش از اتخاذ هرگونه تصمیم درباره مقررات حاکم بر نظام ثبتی

تناسب مجازات با جرم، از جمله مؤلفه‌هایی بودند که در ارزیابی سیاست جنایی سرکوبگر، بازدارنده و امنیتی در مقابله با جرایم ثبتی نشان می‌دهد که نظام کیفری ایران در استفاده از این رویکرد در برابر جرایم ثبتی موفق عمل ننموده است. در مقابل با ارزیابی سیاست جنایی غیرسرکوبگر و پیشگیرانه می‌توان نتیجه گرفت که نگاهی به قوانین ثبتی نشان می‌دهد؛ مقنن ایران نتوانسته آن‌گونه که باید، از ظرفیت‌های پیشگیرانه به‌ویژه برای مشارکت‌دادن به جامعه مدنی در راستای پیشگیری از ارتکاب چنین جرایمی بهره‌برد و ساختار رسمی برای فعالیت جامعه مدنی ترسیم نماید. علاوه بر این، در عرصه آموزش قوانین و مقررات اعم از این که نسبت به کارکنان خود باشد و یا مردم، بسیار ضعیف عمل کرده، طوری که بسیاری از کارکنان ثبت هنوز با مفاهیم اولیه ثبت و نحوه نقل و انتقالات رسمی آشنایی کامل با مقررات قانونی ندارند که اتخاذ تدابیر لازم به‌نحو پیش گفته ضرورت دارد.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت گردیده است.

تعارض منافع: نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: مشترک.

تشکر و قدردانی: ابراز نشده است.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- الوانی، سیدمهدی و شریف‌زاده، فتاح (۱۳۹۳). *فریند خط‌مشی‌گذاری عمومی*. چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.

- آناهید، فاطمه و آیتی، محمدرضا (۱۳۹۴). «بررسی اعتبار سند، از دیدگاه فقه و حقوق». *فصلنامه فقه و مبانی حقوق اسلامی*، ۸(۲۴): ۲۲-۱۱.

دو دسته مدل دولتی و پاسخ اجتماعی تقسیم‌بندی نمود. مجازات‌های پیش‌بینی‌شده برای جرایم ثبتی نمایانگر آن است که پاسخ‌ها معمولاً به‌صورت دولتی و در قالب مجازات متجلی شده‌اند. پیش‌بینی مجازات‌هایی، از قبیل حبس، جزای نقدی و شلاق، برای مقابله با جرایم ثبتی، نظام کیفری ایران را به سمت امنیتی‌شدن سوق داده و موجب شده تا در برآورد کلی، نوع سیاست جنایی تقنینی ایران در برابر جرایم ثبتی از نوع دولتی یا سرکوبگرانه تلقی شود. پاسخ‌های دولتی در برابر جرایم ثبتی منتج به نوعی بحران و انسداد در پیشبرد برنامه‌های پیشگیرانه و مشارکتی در مقابله با این جرایم شده، درحالی که ماهیت این نوع از جرایم به‌گونه‌ای است که اتخاذ راهبردهای پیشگیرانه و مشارکتی به بهترین شکل می‌توانست ضمن برقراری نظم و امنیت و حفاظت از اموال شهروندان، از وقوع آن‌ها جلوگیری نماید. بازخورد و آثار عملی این نگرش به پدیده مجرمانه در راستای اهداف امنیت‌گرایانه و در بستر اجتماع، تعاملات میان حکومت و جامعه مدنی را به سطح حداقلی تنزل می‌دهد و به شدت مداخله نظام اجتماعی و مشارکت آن در سیاست جنایی را به حاشیه می‌راند و از این طریق پاسخ‌های کیفری سرکوبگر به‌عنوان اهرم و بازوی اجرایی تأمین امنیت، بر پیکره نظام عدالت کیفری تحمیل می‌گردد. با عنایت به مجموع پاسخ‌های مقنن ایران در برابر جرایم ثبتی می‌توان نتیجه گرفت که نوع پاسخ به جرایم ثبتی در نظام کیفری ایران، اغلب از نوع دولتی بوده و راهبرد تعیین مجازات، اولین و آشکارترین شیوه‌ای است که مقنن برای مقابله با این جرایم اتخاذ نموده است. با این همه، سیاست جنایی ایران، تهی از راهبردهای پیشگیرانه و مشارکتی نبوده و با پیش‌بینی سازمان‌های مردم‌نهاد به‌صورت رسمی در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اتخاذ راهبردهایی برای به‌کارگیری برخی از سیستم‌های نوین، از جمله ثبت سیستمی و آنلاین، استفاده از کاداستر، پیش‌بینی امضای الکترونیک و نظایر این‌ها، گام‌هایی را در راستای تغییر پاسخ‌ها از دولتی به جامعی برداشته است.

در مجموع می‌توان سیاست جنایی ایران در مبارزه با جرایم ثبتی را به دو نوع: ۱- سرکوبگرانه یا بازدارنده یا امنیتی؛ ۲- پیشگیرانه، انسانی و غیرقهرآمیز تقسیم‌بندی کرد. عدم انسجام در جرم‌نگاری، روشن نبودن اهداف و ارزش‌های مقنن، عدم

- بکاریا، چزاره (۲۰۰۱). رساله جرایم و مجازات‌ها. ترجمه محمدعلی اردبیلی، تهران: انتشارات میزان.
- پنجتنی، سیدمحسن (۱۳۹۱). «سند رسمی و نظم عمومی؛ تبیین مبانی نظری سردفتری». ماهنامه کانون، ۵۴(۱۳۱): ۲۰.
- حاجی ده‌آبادی، احمد و جعفری ندوشن، یداله (۱۳۹۸). «اهم چالش‌ها و بایسته‌های تقنین در جرم فعل». فصلنامه حقوق اسلامی، ۱۶(۶۰): ۶۱-۳۹.
- دشتی اردکانی، محمدرضا (۱۳۹۱). «لزوم مشورت در تدوین قانون، دیدگاه». ماهنامه کانون، ۵۴(۱۳۶): ۷.
- رجبی، محسن؛ غلامحسین مسعود و شکرچی‌زاده، محسن (۱۴۰۰). «جرم جعل در قانون ثبت اسناد و املاک و ارزیابی رویکرد سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال آن». فصلنامه حقوق پزشکی، ۱۵(ویژه‌نامه نوآوری حقوقی): ۳۶۱-۳۷۹.
- رضایانه، محسن (۱۳۹۳). نقد و بررسی جرایم ثبتی. تهران: انتشارات جنگل.
- عباس‌زاده دیباور، محمدعلی؛ انصاری، عباسقلی و امینی، محمد (۱۳۹۸). «سیاست جنایی تقنینی ایران در جرم‌انگاری جرایم اقتصادی». فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، ۱۰(۳۸): ۳۸۳-۴۰۸.
- عظیم‌زاده اردبیلی، فائزه و حسابی، ساره (۱۳۹۰). «سیاست جنایی و تطور مفهومی آن». مجله تعالی حقوق، ۴(۱۵): ۱۱۳-۱۳۳.
- غلامی، حسین (۱۳۹۳). اصل حداقل بودن حقوق جزا. چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- غلامی، حسین و رحمانی، محمد (۱۳۹۶). «مختصات تئوریک سیاست جنایی حکومت جمهوری اسلامی ایران (تحلیل مبانی، اصول و مدل‌بندی در مقام تئوری)». فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۵(۱۸): ۳۸-۹.
- لاررز، کریستین (۱۳۷۵). سیاست جنایی. ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، تهران: انتشارات یلدا.
- حلی (محقق حلی)، ابومنصورحسن (۱۴۰۸). قواعدالحکام. قم: منشورات رضی.
- محمصانی، صبحی رجب (۱۳۷۱). فلسفه تشریح در اسلام. بیروت: دارالکشاف.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۲). قواعدالفقه. تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
- میراحمدیان، روح‌اله (۱۳۸۸). سیاست جنایی تقنینی در مبارزه با قاچاق کالا. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، نام استاد راهنما غلامحسین الهام، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
- نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین (۱۳۹۲). کیفرشناسی نو - جرم‌شناسی نو، درآمدی بر رویکرد مدیریتی خطرمدار، تازه‌های علوم جنایی. چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین (۱۳۹۶). مقدمه‌ای بر سیاست جنایی. تهران: انتشارات میزان.
- نعیمی، سیدمرتضی (۱۳۹۴). «تحلیل اقتصادی رفتار بزهکار و تبیین بازدارندگی مجازات». پژوهش‌نامه حقوق کیفری، ۶(۲): ۲۰۳-۲۲۹.

ب. منبع انگلیسی

- McCoy, M & Hargie, OD (2001). "Evaluating Evaluation: Implications for Assessing Quality". *International Journal of Health Care Quality Assurance*, 14(6-7): 317-3127.